

Critique of the Foundations of Constructivist Epistemology based on Islamic Epistemology in the Distance Education System

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Marjan Masoumi Fard

How to cite this article

Masoumi Fard M. Critique of the Foundations of Constructivist Epistemology based on Islamic Epistemology in the Distance Education System. *Journal of Quran and Medicine*. 2020;4(5):105-114

Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: mmf587@gmail.com

Article History

Received: 2019/10/27

Accepted: 2020/01/10

ABSTRACT

Purpose: The purpose of this study is to investigate the epistemological critiques of school-buildingism based on Islamic epistemology in the distance education system and its educational implications.

Materials and Methods: This research uses descriptive-analytical method to collect library information, including identifying, studying, classifying information, analyzing them and summarizing information on the subject under study and examining knowledge in Islamic philosophy and constructivism, and then Examines critiques of constructivist epistemology based on the epistemology of Islamic philosophy in the distance education system.

Findings: The results of this study showed that constructivist epistemology in matters such as relativism, cognition-situational, differences in sources of knowledge and reliable knowledge is fundamentally different from the epistemology of Islamic philosophy, then it was emphasized that Islam Karim has been revealed and through more complete tools, he enables the most authentic knowledge or factual knowledge in the distance education system.

Conclusion: It is suggested that educators from around our country, based on the knowledge obtained from the Quranic teachings, plan in such a way that in addition to harmonizing educational programs with Islamic teachings, it is dynamic and causes the learner to work to acquire more true knowledge.

Keywords: Epistemology, Islam, Constructivism, Distance Education, Critique.

نقد مبانی معرفت‌شناسی سازنده گرا بر اساس معرفت‌شناسی اسلامی در نظام آموزش از دور

مرجان معصومی فرد

استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
(نویسنده مسئول).

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر بررسی نقدهای معرفت‌شناسی مکتب‌سازنده‌گرایی بر اساس معرفت‌شناسی اسلامی در نظام آموزش از دور و استلزامات تربیتی آن است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، شامل شناسایی، مطالعه، طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل آنها و جمع‌بندی اطلاعات در خصوص موضوع مورد مطالعه پرداخته و معرفت را در فلسفه اسلام و سازنده‌گرایی مورد بررسی قرار داده و سپس نقدهای وارد به معرفت‌شناسی سازنده‌گرا را بر اساس معرفت‌شناسی فلسفه اسلامی در نظام آموزش از دور بررسی می‌کند.

یافته‌ها: نتایج این تحقیق نشان داد معرفت‌شناسی سازنده‌گرا در مواردی مانند نسبی‌گرایی، شناخت-موقعیتی، تفاوت در منابع شناخت و معرفت قابل‌اعتماد با معرفت‌شناسی فلسفه اسلامی تفاوت‌های بنیادینی دارد، سپس بر این موضوع تأکید شد که اسلام با بهره‌گیری از تعالیم وحی که از طریق قرآن-کریم نازل شده است و از طریق ابزارهای کامل‌تر، اصیل‌ترین معرفت یا معرفت حقیقی را در نظام آموزش از دور ممکن می‌کند.

نتیجه‌گیری: پیشنهاد می‌شود که دست‌اندرکاران آموزش از دور کشورمان با تکیه بر معرفتی که از آموزه‌های قرآنی حاصل شده به گونه‌ای برنامه‌ریزی نمایند تا علاوه بر همخوانی برنامه‌های تربیتی با آموزه‌های اسلام، پویا بوده و موجب فعالیت یادگیرنده جهت کسب معرفت حقیقی‌تر شود.

واژگان کلیدی: معرفت‌شناسی، اسلام، سازنده‌گرایی، آموزش از دور، نقد.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰

*نویسنده مسئول: mmf587@gmail.com

مقدمه

از میان مبانی مختلف فلسفی، نظام تعلیم و تربیت از آغاز تاکنون همواره با معرفت‌شناسی سروکار دارد، در واقع معرفت‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه است که در قالب آن مشخص می‌شود چه انواعی از دانش امکان حصول دارد و اینکه چگونه می‌توان مطمئن شد آنها جهت ورود به زندگی انسان‌ها و آشنایی با الگوهای اجتماعی، مناسب و درست هستند (۱)، از این رو معرفت‌شناسی، همواره با مفهوم یادگیری گره خورده و متخصصان نظام آموزش و پرورش در تمام طول تاریخ همواره معرفت‌شناسی یا نظریه دانش و معرفت و شکل‌گیری آن در شاگردان را که با روش‌های تدریس و یادگیری مرتبط است، مورد توجه قرار داده‌اند.

در آستانه قرن بیست و یکم با گسترش روندهای رو به رشد فناوری و به کارگیری گسترده تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات و ظهور جوامع فراصنعتی، رویکردهای تعلیم و تربیت نیز تاحدودی دچار تغییراتی شده است (۲)، در واقع این فن‌آوری‌ها روش زندگی، روش کار کردن، ماهیت ارتباطات انسانی، روش‌های یاددهی-یادگیری و ... را با از میان برداشتن حصارهای زمان و مکان، تغییر داده است. به این ترتیب نظام آموزش باز و از راه دور با تکیه بر رویکردهای معرفت‌شناسی جدید مانند نظریه سازنده‌گرایی که بر ساختن دانش توسط یادگیرندگان به صورت انفرادی یا اجتماعی تأکید دارد (۳) و جامعه را از مزایای آموزش برای همه، در همه وقت و همه جا بهره‌مند می‌سازد، روز به روز با استقبال طیف وسیع‌تری از مردم رو به رو شده است. نظریه سازنده‌گرایی بر این پایه استوار است که به دلیل رخدادهایی مانند انفجار دانش، تغییر و تحول سریع نظریه‌های علمی، حضور ماشین‌های هوشمند در عرصه تعلیم و تربیت، کسب معرفت در جهان امروز، امری نسبی است و دستیابی به معرفت حقیقی در کلیه نظام‌های آموزش و پرورش امکان‌پذیر نیست، این در حالی است که بر پایه فلسفه اصیل اسلامی معرفت امری مطلق است و دستیابی به معرفت حقیقی با بهره‌گیری از قرآن، سنت، وحی و دیگر منابع کسب معرفت نه تنها امکان‌پذیر است، بلکه در جهان امروز نیازمند توجه ویژه از سوی متخصصان نظام‌های آموزشی به طور عام و نظام آموزش از دور به طور خاص در کشورمان می‌باشد.

با توجه به آنچه ذکر شد مسأله پژوهش حاضر آن است که با عنایت به اهتمام مقام معظم رهبری جهت بومی‌سازی معرفت به ویژه در علوم انسانی که مبتنی بر چتر فلسفی اسلام در کشورمان است و هجده‌های فرهنگی متعدد ناشی از فناوری اطلاعات و ارتباطات و ظهور نظریه‌های نوین در نظام تعلیم و تربیت جهان، به نظر می‌رسد متخصصان تربیتی مسلمان به هنگام انتخاب رویکرد معرفت‌شناسی مناسب برای نظام‌های آموزشی به طور عام و نظام آموزش از دور به طور خاص با چالش‌های جدی مواجه هستند، یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها آن است که با توجه به ظهور نظریه نوین سازنده‌گرایی، از سویی نمی‌توان مکتب‌سازنده‌گرایی و استلزامات تربیتی آن را به طور کامل به کنار نهاد، از سوی دیگر نمی‌توان چتر فلسفی حاکم بر نظام آموزشی کشور ما که دین اسلام است و نظریه‌های معرفت‌شناسانه آن را نادیده گرفت، لذا نقد معرفت‌شناسی مکتب‌سازنده‌گرایی بر اساس معرفت‌شناسی فلسفه اسلامی در نظام آموزش از دور، مورد توجه این پژوهش می‌باشد، تا از طریق این نقدها، بتوان راهکارها و پیشنهادهایی مناسب برای دست

مطالعات اندکی در خصوص نقد معرفت‌شناسی سازنده‌گرایی بر اساس معرفت‌فلسفه اسلامی با تأکید بر نظام آموزش از دور صورت گرفته است، برخی از این پژوهش‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

شیخی فینی (۱۵) در پژوهش خود با عنوان تبیین و ارزیابی دیدگاه سازنده‌گرایی که با هدف ارزیابی این دیدگاه در نظام تعلیم و تربیت انجام شد، نشان داد، یکی از نقدهای مهم سازنده‌گرایی این است که نظر سازنده‌گرایی در خصوص برداشت از دانش، خود یک برداشت ذهنی و حاصل تعامل ذهنی نظریه پرداز است و به این صورت صرفاً یک دانش شخصی و غیرقابل تعمیم به سایر اذهان خواهد بود، نتایج پژوهش فردانش و شیخی فینی (۹) نیز نشان داد که یادگیری مبتنی بر سازنده‌گرایی نمی‌تواند پاسخگوی همه اهداف یادگیری نظام آموزش و پرورش باشد و سازنده‌گرایی با قبول رویکردی نسبیست گرا منجر به فردگرایی مفرط می‌شود. همچنین نتایج پژوهش شیروانی و همکاران (۱۶) نیز نشان داد سازنده‌گرایان بر این باورند که شناخت از طریق تجارب فردی ایجاد می‌گردد، از نظر این مکتب فکری محیط یادگیری، محیطی است که بر ساخت دانش تأکید می‌کند، بنابراین شناخت نسبی است، در حالی که چنین نظری در خصوص دانش دارای حائاتی افراطی است. نتایج پژوهش سرمدی (۱۷) نیز نشان داد نوع نگاه به معرفت در سازنده‌گرایی، نسبی‌گرایانه بوده و برای دستیابی شاگرد به معرفت، قائل به ساخت دانش بر اساس ساختارهای گذشته فرد است در حالی که مکتب اسلام بر نوع کامل تری از معرفت، که معرفت مطلق است تأکید دارد.

مواد و روش‌ها

رویکرد پژوهش حاضر کیفی است و نوع تحقیق، بر مبنای هدف نظری و روش آن، توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است و شامل شناسایی و مطالعه، فیش برداری، طبقه‌بندی اطلاعات و تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌های گردآوری شده از منابع علمی موجود، از جمله مقالات و کتابهایی که در زمینه معرفت در دیدگاه سازنده‌گرایی و فلسفه اسلام به ویژه در نظام آموزش از دور و سپس پاسخ به سؤالات تحقیق می‌باشد.

یافته‌ها

سوال اول "معرفت بر مبنای دیدگاه سازنده‌گرایی چگونه قابل تبیین است؟"

از آنجا که فلسفه تربیتی سازنده‌گرایی همپای رشد فناوری‌های آموزشی به محیط‌های آموزشی رخنه کرده، می‌توان گفت از نظر سازنده‌گرایان، انسان قادر به شناخت مستقیم جهان نیست، بلکه کسب معرفت، در واقع تفسیری از جهان مادی است؛ در حالی که سازنده‌گرایان وجود یک جهان مادی را انکار نمی‌کنند، تصدیق می‌کنند که هر یک از انسان‌ها یک نظام درونی از فهم را بنامی کنند که تجاربشان را از دنیای واقعی منعکس می‌کند. همچنین از نظر سازنده‌گرایان، هر کس، فهمی بی‌همتا و خصوصی از جهان مادی دارد و هرگز دو نفر دانش یکسان ندارند زیرا هر فرد دانش را از تجارب بی‌مانند خود می‌سازد و از اندیشه‌ها و تجارب خود، تفسیرهای شخصی به عمل می‌آورد.

اندرکاران نظام آموزش از دور در حوزه معرفت‌شناسی ارائه نمود. بر اساس هدف ذکر شده، مقاله حاضر به دنبال ارائه پاسخ به سؤالات زیر است:

- ۱- معرفت بر مبنای دیدگاه سازنده‌گرایی چگونه قابل تبیین است؟
- ۲- معرفت بر مبنای فلسفه اسلام چگونه قابل تبیین است؟
- ۳- چه نقدهایی به معرفت‌شناسی سازنده‌گرایی بر اساس شناخت‌شناسی فلسفه اسلامی وجود دارد؟

بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد به لحاظ فلسفی مسئله شناخت یا نظریه‌های مربوط به شناسایی از مهمترین مسائل فلسفی است که از دیرباز در فلسفه شرق و غرب مورد بحث مکاتب فلسفی بوده و هر مکتب فلسفی در پی آن است که مبانی معرفت‌شناسی خود را مستحکم تر از دیگر مکاتب تبیین نماید (۴) تا بتواند در خصوص تبیین نحوه شکل‌گیری معرفت در نظام‌های آموزشی، چه سنتی و چه آموزش از دور، سهم بیشتری را کسب نماید. در دهه‌های اخیر نظام آموزش باز و از دور با کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات، به عنوان یک نظام آموزشی انعطاف‌پذیر در زمان و مکان یادگیری، شانس دومی را برای تک‌تک یادگیرندگان که به شیوه‌های سنتی قادر به ادامه تحصیل نیستند (۵)، جهت کسب معرفت علمی فراهم می‌آورد.

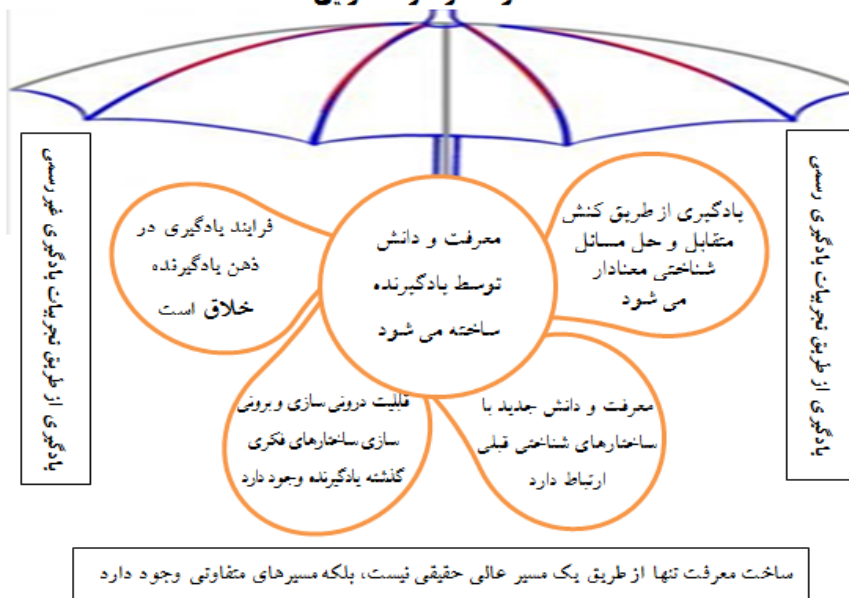
کسب معرفت علمی با کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات در دنیای مدرن، از سویی موجب تعیین اصولی می‌شود که ماهیت خارجی معرفت را می‌پذیرد و بر این باور باقی می‌ماند که واقعیت مستقل (از فاعل شناسا) وجود دارد و برای فرد قابل شناسایی است (۶ و ۷). بنابراین مهم‌ترین پیش‌فرض معرفت‌شناسانه سازنده‌گرایی آن است که معنا، تابعی از چگونگی ساختن آن بر اساس تجربه‌های فردی است (۴، ۷ و ۸).

از سوی دیگر در نظام جمهوری اسلامی به موازات رشد نظام آموزش از دور، متخصصان آموزش و پرورش، بیش از پیش معرفت‌شناسی فلسفه اسلامی و مسائل مرتبط با آن در نظام آموزشی اسلامی را مورد تأکید قرار داده‌اند. زیرا سیر تاریخی معرفت‌شناسی در غرب حاکی از آن است که معرفت‌شناسی به سمت نوعی شکاکیت و فروکاستن از ارزش احکام عقلی و نیز عدم دسترسی به مطابقت قطعی پیش‌رفته است و در نهایت، به صورت یک علم مستقل درآمد. اما در فلسفه اسلامی، بدون آنکه به صورت یک علم مستقل درآید، سیری تدریجی در عین حال، تکاملی و در جهت حل مشکلات و شبهات معرفت‌شناسی طی کرده است. برخی از صاحب‌نظران علت تأسیس نشدن علم مستقل معرفت‌شناسی در فلسفه اسلامی را ثبات و استحکام و تزلزل ناپذیری موضع عقل در این مکتب فکری دانسته‌اند (۱۰).

همچنین بررسی پیشینه پژوهش حاکی از آن است که همزمان با روی کار آمدن نظریه‌های سازنده‌گرایی متخصصان تعلیم و تربیت به طراحی محیط‌های یادگیری کلاسی براساس اصول و فرض‌های سازنده‌گرایی روی آوردند (۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴) با این وجود اگرچه پژوهش‌های فراوانی در خصوص معرفت‌شناسی در فلسفه اسلام و معرفت‌شناسی در سازنده‌گرایی به طور مجزا صورت گرفته، اما

- آورد (۱۸)، بنابراین سازنده گرایی بر نقش فعال یادگیرنده از درک و فهم و معنی بخشیدن به معرفت، تأکید دارد (۱۹)، با توجه به آنچه ذکر شد در این مکتب فکری همانگونه که ویگوتسکی به آن اشاره می کند، انسان ساختارهای شناختی خصوصی اش را هر بار که با اطلاعات جدیدی از راه تعامل اجتماعی مواجه می شود، اصلاح می کند (۲۰)، بنابراین در این نگرش، فرد دانشی را می سازد که ممکن است مشابه با دانش دیگران، اما در عین حال، خاص خود او باشد (۹).
- با توجه به آنچه ذکر شد برخی از مهم ترین ویژگی های معرفت شناسی سازنده گرا که به کسب معرفت در نسل سوم نظام آموزش از دور نیز گره خورده است، به شرح ذیل می باشد:
- معرفت و دانش توسط یادگیرنده ساخته می شود.
- ساخت معرفت از طریق تنها یک مسیر عالی حقیقی نیست، بلکه مسیره های متفاوتی وجود دارد.
- یادگیری هم از طریق تجربیات یادگیری رسمی و هم از طریق غیررسمی امکان پذیر است.
- معرفت و دانش جدید با ساختارهای شناختی قبلی ارتباط دارد.
- قابلیت درونی سازی و برونی سازی ساختارهای فکری گذشته یادگیرنده وجود دارد.
- فرایند یادگیری در ذهن یادگیرنده خلاق است.
- یادگیری از طریق کنش متقابل و حل مسائل شناختی معنادار می شود (۹، ۲۱).

معرفت در سازنده گرایی



شکل ۱. معرفت شناسی در مکتب سازنده گرایی از دیدگاه محقق

استاد شهید مرتضی مطهری درباره اهمیت شناخت می گوید: "مسئله شناخت، امروزه اهمیت فوق العاده ای پیدا کرده است و کمتر مسئله ای به اندازه مسئله شناخت، امروز مهم است" (۲۴)، همچنین می نویسد، قرآن نمی تواند یک مکتب باشد و درباره خود شناخت، ابزار شناخت، منابع شناخت و کیفیت شناخت هیچ نظری نداشته باشد (۲۴).

با توجه به آنچه ذکر شد در فلسفه اسلام اندیشه ورزان مسلمان به طور چشمگیری همواره به بررسی ارتباط آنچه از قلمرو معرفت برای آدمی قابل حصول است و آنچه بر نبی وحی شده بود پرداخته اند. برخی از مهم ترین ویژگی های معرفت شناسی از دیدگاه مکتب اسلام عبارتند از:

- معرفت نقطه مقابل جهل و ناآگاهی است، بنابراین مفهومی بدیهی است و نیاز به اثبات ندارد.
- کسب معرفت به دو شیوه ی حضوری و حصولی امکان پذیر است.
- معرفت حصولی به دو نوع تصور و تصدیق شکل می گیرد.
- فرایند یادگیری در ذهن یادگیرنده پویا است.
- اگر معرفت مطابق با واقع نباشد، شناختی در کار نخواهد بود.

سوال دوم: "معرفت بر مبنای فلسفه اسلام چگونه قابل تبیین است؟" در مکتب اسلام نیز موضوع معرفت حائز اهمیت فراوان است، از ویژگی های مهم حکمت و فلسفه اسلامی، توجه به نگرش قرآن و تلاش برای شناسایی و معرفی دیدگاه وحی در این زمینه است، به گونه ای که خداوند در آیات فراوانی از قرآن کریم، انسان را به تفکر جهت شناخت هستی و آفرینش دعوت کرده است (آیه ۲۲۵، سوره مبارکه بقره، آیه ۱۹۱ سوره مبارکه آل عمران و آیه ۸ سوره مبارکه روم) همچنین در حدیثی، پیامبر اسلام (ص) فرمودند یک ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است (۲۲). امیرالمومنین (ع) نیز فرمودند: "ای مردم بدانید که کمال دین طلب علم و عمل بدان است، بدانید که طلب علم بر شما از طلب مال لازم تر است، زیرا مال برای شما قسمت و تضمین شده و عادل (منظور خداوند متعال است) آن را بین شما قسمت کرده است، ولی علم نزد اهلس نگاهداشته شده و شما مامورید که آن را از اهلس طلب کنید، پس آن را بخوانید".

همچنین قابل ذکر است که دین اسلام، عقل را در رسیدن به واقعیات قادر و توانا می داند و شکاکیت را مطلقاً مردود می شمارد (۲۳)، بنابراین در اسلام معرفت مطلق است و معرفت اصیل نیز همان شناخت خداوند است.

- وحی دسترسی به عالی‌ترین سطوح معرفت را برای انسان فراهم می‌آورد (خطبه ۸۶، نهج البلاغه).

- طبیعت منبع شناسایی است و ابزار آن حواس، عقل منبع شناسایی است و ابزار آن قیاس و دل منبع شناسایی است و ابزار آن تزکیه نفس است (۲۳).



شکل ۲. معرفت در مکتب اسلام از دیدگاه محقق

کیفیت باشد، پس هر دو نفر خطا کارند، پس با هر دو فرض، حقیقت نسبی نامعقول است (۲۶). همچنین آیت الله جوادی آملی نیز در خصوص نقد نسبی‌گرایی به آیه‌هایی از برخی از سوره‌های قرآن مانند توحید (سوره مبارکه فاتحه آیه ۵)، نبوت (سوره مبارکه نجم آیه ۴)، ولایت (سوره مبارکه نساء آیه ۵۹)، معاد (سوره مبارکه بقره آیه ۸) اشاره کرده و معتقد است بر اساس متن قرآن، حقیقت مطلق بوده و هیچ نسبی‌ت در آن راه ندارد. همچنین ایشان تصریح می‌نمایند که قرآن نسبی‌ت را هم در مفاهیم یاد شده رد می‌کند و هم در فهم آن از جانب انسان، زیرا عقل سلیم توانایی رصد تمامی حقایق عالم را دارد (۲۷). آیت الله مصباح یزدی نیز در نقد «نسبی‌گرایی» در کتاب «آموزش فلسفه» می‌نویسند: به کسانی که مدعی نسبی بودن همه‌ی شناخت‌ها هستند و می‌گویند: هیچ قضیه‌ای به‌طور مطلق و کلی و دائمی صحیح نیست، می‌توان گفت، همین قضیه که «هیچ قضیه‌ای به‌طور مطلق صحیح نیست» آیا مطلق، کلی و دائمی است یا نسبی و جزئی و موقت؟ اگر همیشه و در همه‌ی موارد و بدون هیچ قید و شرطی، صادق است، پس دست کم یک قضیه‌ی مطلق، کلی و دائمی، ثابت می‌شود. اگر خود این علم هم نسبی است، معنایش این است که در بعضی از موارد صحیح نیست و ناچار موردی که این قضیه درباره‌ی آن صدق نمی‌کند، قضیه‌ای مطلق، کلی و دائمی خواهد بود (۱۰). با توجه به آنچه ذکر شد در مکتب اسلام، نسبی‌ت‌گرایی در شناخت مردود است.

نقد دیگری که به معرفت‌شناسی سازنده گرا بر اساس معرفت‌شناسی اسلامی وجود دارد، مرتبط با منابع شناخت است، در واقع تکیه بیش از اندازه سازنده‌گرایان بر تجربه و شناخت تجربی و سپس به کارگیری تفکر و در موارد محدود اکتشاف برای شناخت به عنوان مهم‌ترین

درخصوص سوال سوم پژوهش مبنی بر اینکه «چه نقدهایی به معرفت‌شناسی سازنده‌گرایی بر اساس شناخت‌شناسی اسلامی وجود دارد؟ می‌توان گفت، یکی از مواردی که در مبحث مربوط به نقدهای مطرح شده درباره‌ی سازنده‌گرایی قابل توجه است آن است که نظریه سازنده‌گرایی از لحاظ معرفت‌شناسی، نسبی‌گرا بوده (۱۵) و پیروان آن معتقدند کسب معرفت به دستگاه ادراکی هر شخص و شرایط زمانی و مکانی ادراک کننده بستگی دارد و از این جهت است که هر فرد، یک چیز را مختلف ادراک می‌کند بلکه یک نفر در دو حالت یک چیز را دو نحو ادراک می‌کند، پس هر فکری برای شخص ادراک کننده‌ی آن هم فقط در شرایط زمانی و مکانی معین، حقیقت دارد و صحیح است. لذا در نقد معرفت‌شناسی سازنده‌گرایی بر اساس شناخت‌شناسی اسلامی دیدگاه‌های برخی از فلاسفه و اندیشمندان اسلامی درخصوص نسبی‌گرایی به شرح ذیل مرور شده است.

استاد مطهری در بررسی مسئله نسبی‌ت در معرفت به شرح آیه ۳۱ سوره مبارکه بقره پرداخته و بر این نظر است که: دو معنی از عبارت «و علم آدم الأسماء کالها» برداشت می‌شود، اول آنکه خداوند جمیع حقایق عالم را به آدم یاد داده است و دوم آنکه حقایق عالم قابل شناخت است (۲۵). همچنین ایشان در خصوص نسبی‌ت یا مطلق بودن شناخت، معتقد است: حقیقت نسبی، اساساً معنا ندارد؛ برای اینکه وقتی دو نفر یک جسم را با دو کیفیت متفاوت می‌بینند، آیا خود آن جسم در واقع و نفس‌الامر دارای آن دو کیفیت است یا فاقد هر دو ویژگی می‌باشد و دارای کیفیت سومی خواهد بود. البته ممکن نیست در زمان واحد دارای دو کیفیت مختلف باشد پس بی‌شک، ادراک یکی از دو نفر خطای مطلق و دیگری حقیقت مطلق است و اگر آن شیء در واقع، فاقد هر دو

یاد می‌گیرند. سازنده‌گرایی همچنین، دیدگاه معلمان را از اینکه چه چیزی را تدریس کنند به اینکه یادگیرندگان چه چیزی را می‌آموزند، تغییر داده است، بنابراین سازنده‌گرایی آنگونه که کولیک و همکاران (۳۲) می‌گویند، در واقع تلاشی است برای تبیین دانش و عقاید انسانی بدون انجام هیچ‌گونه تلاشی درباره واقعیت مستقل. با توجه به آنچه ذکر شد در دیدگاه سازنده‌گرایی معرفت نسبی است، در واقع از نظر این رویکرد، معرفت به صورت ذهنی و به شکل انفرادی یا اجتماعی ساخته می‌شود، بنابراین سازنده‌گرایان معتقدند که مبنای معرفت فرایند ساختن فهم از طریق اضافه کردن و ترکیب کردن اطلاعات جدید با ساختارهای دانش موجود و سازگار کردن فهم با تجربیات جدید است و از این جهت، هیچ دانشی مطلق نیست و همه دانش‌ها ساختنی هستند، لذا معرفتی که هر فرد از یک تجربه یادگیری خاص استخراج می‌کند، بی‌همتاست و هر تجربه فردی از صافی فهم‌های شخصی، عقاید و ارزش‌های خود فرد می‌گذرد (۳۳). این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های آنجلو و ما (۳۴)، سرمدی (۱۷)، شیروانی و همکاران (۱۶) و فردانش و شیخی فیلی (۹)، همخوانی دارد.

همچنین از نظر سازنده‌گرایان شناخت ساختنی است، چرا که معرفت به وسیله‌ی شنیدن و خواندن به شخص دیگر منتقل نمی‌شود، بلکه زمینه‌ای بی‌همتا برای تفسیر اطلاعات جدید است. کتاب‌ها و سخنرانی‌ها مشتمل بر دانش نیستند. آنها کلماتی را مهیا می‌کنند که ممکن است به فرد کمک کند که درباره‌ی آنچه که می‌شناسد، دوباره فکر کند و روابط جدیدی به وجود آورد تا ترکیبات جدیدی از نظرات، پرورش یابد. انسانها ممکن است با ترکیباتی مواجه شوند که درست به آنها فکر نشده است یا ممکن است در ساختارهای مفهومی شان، عیب‌هایی غیر متفکرانه وجود داشته باشد. بدین ترتیب، فرد نه فقط از تجاربش می‌آموزد، بلکه از طریق بازنگری و پیکربندی مجدد فهمش، به شناختی تازه دست می‌یابد، این نتایج با یافته‌های پژوهش فردانش و شیخی فیلی (۹) همخوانی دارد.

طرفداران این مکتب همچنین معتقدند که حقیقت ذهنی است، زیرا هر انسانی حقیقت را خود، بوجود می‌آورد، هرکس فهمی بی‌همتا و خصوصی از جهان مادی دارد. هرگز دو نفر، دانش یکسان ندارند، زیرا هر فرد دانش را از تجارب بی‌مانند خود می‌سازد، بنابراین ممکن است امری برای عده‌ای حقیقت به شمار رود و برای دیگران حقیقت نباشد، حتی ممکن است چیزی در زمانی حقیقی و در زمان دیگر فاقد حقیقت باشد، لذا در سازنده‌گرایی انسان، ساختارهای شناختی خصوصی‌اش را هر بار که با اطلاعات جدید مواجه می‌شود، اصلاح می‌کند، این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های شیروانی و همکاران (۱۶)، فردانش (۳۵)، گودو بروفی (۳۶) و فوس نات (۲۱) همخوانی دارد.

علاوه بر این، سازنده‌گرایان معتقدند که یادگیری امری درونی است، در واقع معرفت با اضافه کردن اطلاعات جدید به آنچه از قبل شناخته شده یا ترکیب فهم‌ها، برای خلق روابط مفهومی جدید، ساخته یا آموخته می‌شود. در این شیوه، فرد، دانشی را می‌سازد که ممکن است مشابه با دانش دیگران، اما در عین حال، خاص خود او باشد، چرا که یادگیری فقط در یک متن و یا در یک زمینه معین رخ نمی‌دهد و انسان برای یادگیری می‌تواند از تمام موقعیت‌ها استفاده نماید و یادگیری نباید فقط در مدرسه، آزمایشگاه و سایر... صورت گیرد. این یافته‌ها با نتایج

ابزارهای کسب معرفت در نظر گرفته شده (۲۸) در حالی که در مکتب اسلام علاوه بر پذیرش تجربه، عقل و شهود (اکتشاف)، مهم‌ترین ابزاری که امکان دستیابی به صحیح‌ترین معرفت‌ها را فراهم می‌آورد وحی است، که سایر منابع کسب معرفت نیز زیر چتر وحی و تعالیم اساسی قرآن جهت مناسب خود را می‌یابند، بنابراین اسلام برای وحی در کنار سایر منابع کسب معرفت، اصالت بیشتری قائل است، چرا که کاملترین شناخت از طریق وحی است (۲۹).

نقد دیگری که به معرفت‌شناسی سازنده‌گرا بر اساس معرفت‌شناسی فلسفه اسلامی وجود دارد در خصوص معیارهای معرفت قابل اعتماد در مکتب سازنده‌گرایی است. از آنجا که در مکتب سازنده‌گرایی، معرفت، شخصی است و هرکس با توجه به تجربیات قبلی خود، معرفت را برای خودش بنا می‌کند، لذا معرفت فردی و خودساخته است و چندان قابل اعتماد نیست (۲۱)، در حالی که در اسلام، از آنجا که می‌توان معرفت کسب شده را با معیارهای معرفت عالی مورد مطابقت قرار داد، قابل اعتمادترین معرفت‌ها شکل می‌گیرد (۳۰)، چرا که وحی هم جزئیات و هم کلیات را با هم درک می‌کند و به عنوان متمم و مکمل حس و عقل به کار می‌رود (۳۱). مولانا نیز در این زمینه می‌فرماید:

عقل جزوی عقل استخراج نیست
جز پذیرای فن و محتاج نیست
قابل تعلیم و فهم است این خرد
لیک صاحب وحی، تعلیمش دهد

نتیجه‌گیری

از میان مبنای مختلف فلسفی، معرفت‌شناسی پیوند وسیع‌تری با نظام آموزش و پرورش به طور عام و فرایندهای یاددهی-یادگیری به طور خاص دارد. در دنیای امروز نیز که انواع رویکردهای نوین تعلیم و تربیت به سرعت در حال توسعه است، توجه ویژه به معرفت، یکی از مسائل مهمی است که توجه متخصصان نظام آموزشی را به خود معطوف نموده است. هدف از انجام پژوهش حاضر مطالعه نقدهای معرفت‌شناسی سازنده‌گرا بر اساس معرفت‌شناسی فلسفه اسلامی در نظام آموزش از دور می‌باشد، نتایج پژوهش، پس از طرح سوالات، بررسی ادبیات و پیشینه و جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها به شرح ذیل می‌باشد:

درخصوص سوال اول پژوهش مبنی بر اینکه "ماهیت معرفت بر مبنای دیدگاه سازنده‌گرایی چیست؟" نتایج حاکی از آن بود که اگرچه در دو دهه گذشته نشانه‌هایی از گسترش علاقه به سازنده‌گرایی در درون پارادایم شناختی مشاهده شده است، اما سازنده‌گرایی یک نظریه انقلابی نیست، بلکه درخواستی برای تغییر دیدگاه‌های فلسفی دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت است و این تغییر بر دید آنها درخصوص ماهیت معرفت و به دنبال آن نحوه یادگیری تأثیر می‌گذارد. همانگونه که هاشم‌فر و شیخی فیلی (۹) اظهار می‌دارند از نظر سازنده‌گرایی، معرفت یک ساختار ذهنی موقتی رشدی است که بر اساس واسطه‌های اجتماعی و فرهنگی در افراد شکل می‌گیرد، به این ترتیب افراد هنگام کسب معرفت، با محیط تعامل نموده و در یک زمینه اجتماعی معرفت خویش را از طریق تجربه نمودن اشیا و تفکر کردن درباره تجربیات،

نامعقول است. ذهن نیز این قدرت را دارد که به ماهیت اشیاء بطور دست نخورده ناآل شود (۳۸).

همچنین نتایج سوال سوم با عنوان "چه نقدهایی به معرفت‌شناسی سازنده گرایی بر اساس شناخت‌شناسی فلسفه اسلامی وجود دارد؟" نشان داد که:

- اولین و مهم‌ترین نقد به معرفت‌شناسی سازنده گرایی، نسبی‌گرا بودن این مکتب در شناخت است، در حالی که در مکتب اسلام معرفت مستقل از فاعل شناسا وجود دارد و اصیل‌ترین معرفت از طریق وحی در دسترس انسان‌ها قرار داده شده است، لذا در مکتب اسلام وحی به عنوان یکی از منابع مهم کسب معرفت تأثیر شگرفی بر معرفت‌شناسی فلسفه اسلامی گذاشته است، این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های نیسان (۲۹) و سرمدی (۱۷) همخوانی دارد.

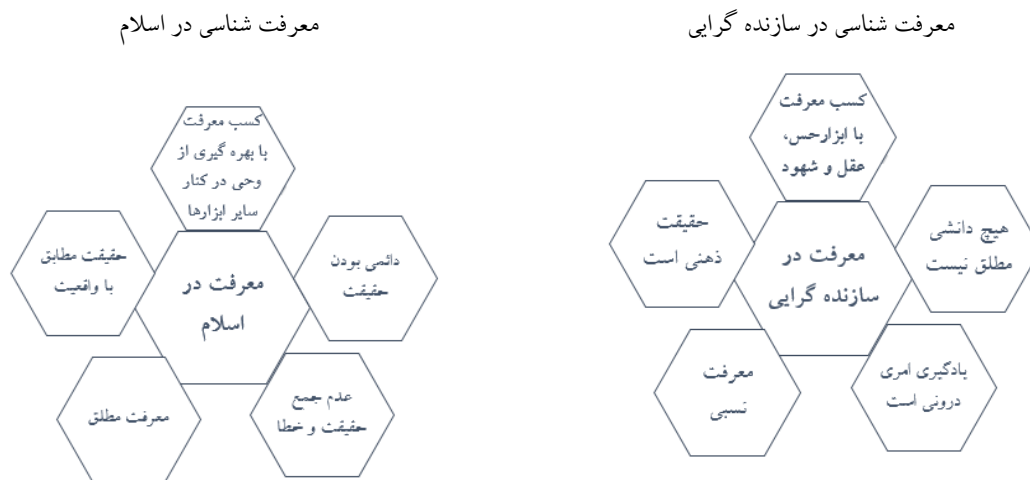
دومین نقد وارد شده به معرفت‌شناسی از دیدگاه سازنده گرایی آن است که منجر به فردگرایی می‌شود، در واقع هم راستا با نتایج پژوهش شیخی فینی (۹)، سازنده گرایی با قبول رویکرد نسبیست‌گرا از ایجاد یک دانش شخصی و غیرقابل تعمیم حمایت می‌کند که منجر به فردگرایی مفرط می‌شود که سبب می‌شود، قضیه‌ای برای فردی صادق و حقیقی و برای دیگری کاذب و فاقد حقیقت باشد، حتی ممکن است چیزی در زمانی حقیقت و در زمانی دیگر فاقد حقیقت باشد.

سومین نقد وارده به سازنده گرایی در خصوص تفاوت در منابع شناخت است، که سازنده گرایی منابع محدودتری را برای شناخت بر می‌شمرد (حواس، تفکر و شهود)، در حالی که اسلام، جریان مستمر جستجوی حقیقت را علاوه بر منابعی که مورد قبول سازنده گرایی است، در وحی و تعالیم آن می‌داند.

چهارمین نقد وارده به معرفت‌شناسی سازنده گرا، معرفت قابل اعتماد است، چرا که در اسلام حقیقت، وجودی واحد دارد، اما دارای جلوه‌ها و ماهیت‌های متعدد است، بنابراین معرفت قابل اعتماد بر اساس آیات و روایات که منشاء آن از طرف خداوند متعال است، معرفی می‌گردد، بنابراین صدق و راستی کلام خداوند معرفت فلسفه اسلامی را قابل اعتماد می‌نماید و اساس شناسایی واقعیت‌های پایدار است. شکل شماره ۳ به مقایسه معرفت از دیدگاه اسلام و سازنده گرایی پرداخته و شکل شماره ۴- نقدهای وارد شده به سازنده گرایی از طرف مکتب اسلام را نمایش می‌دهد.

پژوهش‌های شیروانی و همکاران (۱۶)، فردانش و شیخی فینی (۹)، همخوانی دارد.

نتایج پژوهش درخصوص سوال دوم: "ویژگی‌ها و ماهیت معرفت‌شناسی فلسفه اسلامی کدام است؟" نشان داد که از ویژگی‌های مهم حکمت و فلسفه اسلامی، توجه به نگرش‌های قرآنی و تلاش برای شناسایی و معرفی تعالیم وحی در این زمینه است، چرا که قرآن درباره شناخت، ابزار شناخت، منابع شناخت و کیفیت شناخت برنامه کاملی برای انسان‌ها فراهم آورده است و به قول شهید مطهری قرآن نه تنها قائل به امکان شناخت است بلکه رسماً انسان‌ها را به شناخت دعوت می‌کند. قرآن می‌گوید در آسمانها و زمین نظر کنید، و هرچه هست را بشناسید، یعنی ای انسان خودت را بشناس، جهانت را بشناس، خدایت را بشناس، زمانت را بشناس، جامعه و تاریخ خودت را بشناس (۲۴)، بنابراین واضح است که اندیشمندان مسلمان معتقدند که کسب معرفت امکان‌پذیر است و آن را با بهره‌گیری از وحی امکان‌پذیر می‌دانند، چرا که از نظر مکتب اسلام، برای کسب معرفت، بهره‌گیری از حواس، عقل، شهود کافی نیست و نمی‌تواند ما را به شناختی واقعی و اصیل راهنمایی کند، بنابراین همانگونه که جوادی آملی (۳۱)، شهید مطهری (۲۵)، کشانی و همکاران (۳۷) نیز ذکر می‌کنند، برای تکامل معرفت می‌توان با بهره‌گیری از تعالیم وحی که اصیل‌ترین معرفت‌ها فراهم می‌آورد، به معرفت واقعی دست یافت، همچنین در اسلام معرفت حقیقی و دائمی است، در بحث از دایمی بودن حقیقت، استاد مطهری به چند نکته اشاره دارد، از جمله: دایمی بودن حقیقت مربوط به علوم حقیقی است، نه علوم اعتباری، همچنین دوام حقیقت نیز مربوط به حقایق یقینی است، نه حقایق احتمالی، علاوه بر آن دوام حقیقت در حالی است که حقیقت به معنای مطابقت فکر با واقع در نظر گرفته شود، نه به معنای دیگری که برخی از اندیشمندان - مانند پراگماتیستها - در نظر گرفته‌اند (۲۴). لذا می‌توان گفت در مکتب اسلام، جمع حقیقت و خطا امکان‌پذیر نیست و در واقع حقیقت و خطا یا صدق و کذب در مقابل یکدیگر قرار دارند. اگر امری حقیقت باشد، خطا نیست و اگر خطا باشد، حقیقت نیست. هیچ اندیشه‌ی نظری از جهت واحد نمی‌تواند آمیخته به حقیقت و خطا باشد، از این رو معرفت مطلق است، علامه طباطبائی در بیان مطلق بودن معرفت، می‌نویسد، اساساً حقیقت نسبی معنی ندارد؛ زیرا واقع یا نفس الامر دارای کیفیتی ثابت است و اگر ادراک افراد مختلف از آن متفاوت است، تنها یکی از این ادراکات، صحیح مطلق است و در هر صورت حقیقت نسبی



شکل ۳. به مقایسه معرفت در اسلام و سازنده گرایی می پردازد

های دین اسلام باشد، برنامه هایی را طراحی نمایند که علاوه بر همخوانی با آموزه های اسلام، پویا بوده و موجب فعالیت یادگیرنده جهت کسب معرفت شود.

References

1. Rezaei, Mohammad Hashem, Pakseresht, Mohammad Jafar (1387). The Impact of Epistemological Perspectives on Learning Teaching Activities in the Open and Distance Education System, New Educational Thoughts, Volume 4, Number 4, pp. 9-36.
2. Ozpolat, E. and Akar, G. B. 2009, automatic detection of learning styles for an e-learning system, Computers & Education 53, p. 355-367.
3. Abedini Beltarak, Meymant, Nili, Mohammad Reza (1393). Analysis of the position of constructivism as a new approach to learning in elementary school textbooks, research in curriculum planning (knowledge and research in educational sciences-curriculum planning), Volume 11, Number 13, pp. 6-17.
4. Rezaei, Mohammad Hashem (1387). Curriculum epistemological views in the open and distance education system, Peyk Noor, sixth year, third issue, on the occasion of the twentieth anniversary of Payame Noor University.

شکل ۴- نقدهای معرفت در سازنده گرایی از نظر اسلام



شکل ۴. نقدهای وارد شده به سازنده گرایی از نظر اسلام

با توجه به آنچه ذکر شد اگرچه در جهان کنونی رویکرد معرفت شناسی مکتب سازنده گرایی و استلزامات تربیتی آن در نظام های آموزشی جهان به سرعت رو به رشد و توسعه است، اما از آنجا که نوع نگاه به معرفت در این مکتب نسبی گرایانه بوده و برای دستیابی شاگرد به معرفت، قائل به ساخت دانش بر اساس ساختارهای گذشته فرد و با ابزارهای محدودی همچون حواس، عقل و شهود است و همچنین با توجه به اینکه سازنده گرایی با قبول رویکرد نسبییت گرا، منجر به فردگرایی مفرط می شود؛ یادگیری مبتنی بر سازنده گرایی نمی تواند پاسخگوی همه اهداف یادگیری نظام های آموزشی برای مقاطع تحصیلی و سنین مختلف باشد، بنابراین وابستگی جزمی به این دیدگاه، سبب تمرکز بر روش های کسب معرفت و فرایند های یاددهی- یادگیری و ایستا خواهد شد. با توجه به آنچه ذکر شد لازم است طراحان آموزشی کشورمان با در نظر گرفتن چتر فلسفی مکتب اسلام که دست یافتن به کامل ترین معرفت ها را برای همگان مهیا می سازد و دارای محتوای کاملی است، بر نوع کامل تری از معرفت، که همان دستیابی به "معرفت مطلق" است، تاکید نمایند. لذا پیشنهاد می شود پژوهشگران حوزه و دانشگاه با انجام پژوهش هایی درخصوص راهکارهای مناسب جهت دست یابی به معرفت حقیقی در نظام آموزش از دور، که مطابق با ارزش

environments. Paper presented at the annual meeting of the American Educational Research Association, New Orleans, LA.

14. Taylor, P. C., Fraser, B. J., & Fisher, D. L. (1997). Monitoring constructivist classroom learning environments. *International Journal of Educational Research*, 27, 293–302.

15. Sheikhi Fini, Ali Akbar (1381). Explaining and Evaluating the Constructivist Perspective, *Cognitive Science News*, Volume 4, Number 3.

16. Shirvani, Elham, Beheshti, Saeed, Asadzadeh, Hassan (1389). Explanation and critique of the epistemological foundations of constructivism and its educational implications, Master Thesis, Allameh Tabatabai University.

17. Sarmadi, Mohammad Reza (1396). Epistemological analysis of distance education based on the school of constructivism and Islamic epistemology, *Quarterly Journal of Research in School and Virtual Learning*, Year 5 (Summer Special Issue).

18. Bieler, R, F & Snowman, J (1993). *Psychology applied to teaching* (7th ed). Houghton Mifflin.

19. Woolfork, A, E (1995). *Educational Psychology* (6th ed). Boston: Allyn & Boston.

20. Vygotsky, L.S (1978). *Mind in society*, Cambridge. M.A. Harvard university press.

21. Fosnot, C.T (1993). Science education revisited: a defense of Piagetian Constructivism, *Journal of research in science education*, 39 (9), 1189-1201.

22. Truth of Islam Mohammad Ibn Ya'qub Klini, "Sufficient Principles", 4 volumes, Volume 1, translated and explained by Seyyed Mahdi Ayatollah, Tehran, Jahanara Publications, 2007, first edition

5. Masoumi Fard, Marjan (1395). Comparative study of missions, perspectives, general characteristics and admission of students in the system of higher education in selected Asian countries, *Letter of Higher Education*, No. 34.

6. Driscoll, M, P (1994). *Psychology of Learning for instruction*, Boston: Allyn & Boston.

7. Sarmadi, Mohammad Reza, Veisi Tabar, Salam (1393). *Web-Based Learning Design with Emphasis on Constructivist Epistemology*, *Shahed University Bi-Quarterly*, Year 21 - New Volume No. 4.

8. Fosnot, C (1996). *Constructivism: A psychological theory of learning*, London, the falmer press, 1995, p 116.

9. Fardanesh, Hashem, Sheikhi Fini, Ali Akbar. (1381). An Introduction to Constructivism in Psychology and Educational Sciences. *Al-Zahra University Humanities Quarterly*. Twelfth Year, No. 42.

10. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (1394). *Teaching Philosophy*, Volume 1, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications (Quds), Fourth Edition, Qom.

11. Aldridge, J. M., Dorman, J. P. & Fraser, B. J. (2004). Use of multitrait-multimethod modeling to validate current and preferred forms of the Technology-Rich Outcomes Focused Learning Environment Inventory (TROFLEI). *Australian Journal of Educational and Developmental Psychology*, 4, 110-125.

12. Aldridge, J. M., Fraser, B. J., Taylor, P. C., & Chen, C. C. (2000). Constructivist learning environments in a cross-national study in Taiwan and Australia. *International Journal of Science Education*, 22, 37-55.

13. Taylor, P. C., & Fraser, B. J. (1991, April). Development of an instrument for assessing constructivist learning

- learning, London, the falmer press, 1995, p 116.
34. Angello, C & Wema, E (2010). Availability and usage of ICT and e-resources 'by livestock researchers in Tanzania: challenges and ways forward. *International of education and development using information and communication technology*, Vol 6, issue 1, pp 1-13.
35. Fardanesh, Hashem (1387). The evolution of educational technology in Iran and in the West: past, present. *Ayandeh, Quarterly Journal of Education*, Twenty-fourth year, No. 1, pp. 13_97
36. Good, T.L. & Brophy, J. (1995). *Contemporary Educational Research* (2nd Ed.). New York: Appleton-Century-Crofts.
37. Keshani, Mahdieh; Bakhtiar Nasrabadi, Hassan Ali; Norouzi, Reza Ali (1387). An introduction to the value of information from the perspective of Allameh Tabatabai and its educational implications. *Mesbah Magazine*. No 77
38. Ajdarizadeh, Hossein (1382). Social Determination of Revelatory Knowledge in Allameh Tabatabai's Thought, *Methodology of Humanities*, Volume 9, Number 35.
23. Beheshti Saeed, Maleki Hassan, Veisi Gholamreza (2013). Policies governing educational goals in Professor Motahhari's epistemology and its application in the system of the Islamic Republic of Iran, *Journal of Islamic Policy Research*, first year, third issue, 169-192.
24. Motahari, Morteza (1371). *Recognition in the Quran*, Islamic Revolutionary Guard Corps Publications, Mashhad.
25. Motahari, Morteza (1371). *The problem of cognition*, Tehran, Sadra, p.12.
26. Khosropanah, Abdul Hussein (1383). Professor Motahhari and the Critique of Relativism, *Hozeh Base*, May 25, No. 128.
27. Azizkhani, Ahmad, Alemi Cheraghali, Hamzeh (2013). Superman theory and its critique from the perspective of religious teachings and rational foundations, *two scientific-research quarterly journals of religious anthropology*, 10th year, No. 30, pp. 135-155.
28. Hook, S (1971), *John Dewey; an Intellectual Portrait*, Westport, Connecticut: Greenwood Press.
29. Nabian, Parvin (1389). The range of human knowledge about the Supreme Being, *Wisdom and Philosophy*, Year 6, Number 3, pp. 131-151.
30. Hamidzadeh, Mohammad Sadegh, Maleki, Hassan, Beheshti, Saeedeh (2015). *Quranic Basics of Political Education Curriculum Knowledge*, *Islamic Policy Research*, Fourth Year, No. 9.
31. Javadi Amoli, Abdullah (2011). *Thematic Interpretation of the Qur'an Volume 13- Epistemology in the Qur'an*, Esra 'Publishing, Eighth Edition.
32. Kulik, C, Banger, R & Williams, G (1983). Effects of computer-based teaching on secondary school students. *Journal of Educational Psychology*, 75,19-26.
33. Von Glaserfeld, E (1995). *Radical constructivism, away of knowing and*